

مصادیق کارگزاران نالایق یا ناشایست در نهج البلاغه

چکیده

زهرا ابدالی محمدی

برای داشتن یک حکومت مردمی و مورد قبول وجود کارگزاران شایسته ی حکومتی امری ضروری است. امام علی (علیه السلام) تأکید بسیاری برانتخاب و به کارگیری کارگزاران شایسته در این مقوله دارد. موضوع این مقاله □ مصادیق کارگزاران نالایق یا ناشایست در نهج البلاغه □ است. بنابراین روش تحقیق، □ نقلی _ و حیانی □ و گردآوری اطلاعات نیز به صورت کتابخانه ای و شیوه ی پردازش نیز □ توصیفی و تحلیلی □ است. این مقاله مشتمل بر سه بخش میباشد که عبارت است از: مصادیق کارگزاران نالایق یا ناشایست اخلاقی، مصادیق کارگزاران نالایق یا ناشایست اقتصادی؛ مصادیق کارگزاران نالایق یا ناشایست سیاسی.

از نگاه امام علی (علیه السلام) کارگزار ناشایست در حیطه ی اخلاقی ویژگی هایی دارد که عبارت است از : پیروی بی قید و شرط از هوا و هوس، مشغول شدن به لهو و لعب، دنیا گرایی و عدم توجه به آخرت، پیوند با اقوام به بهای قطع رابطه ی با دین و داشتن تکبر نسبت به زیردستان. کارگزار ناشایست در حیطه ی سیاسی و اقتصادی ویژگی هایی همچون خیانت در امانت بیت المال، بی تدبیری و عدم عدالت در تقسیم بیت المال و عدم پرداخت خراج دارد. که امام علی (علیه السلام) هنگامی که از طریق مراقبین خود از این امور آگاه می شدند، ابتدا با یک نامه شدیدالحن موارد را گوشزد میکردند و در بعضی موارد نیز به شدت مجازات میکردند. در این مقاله سعی شده است نحوه برخورد مولا علی علیه السلام با کارگزاران نالایق یا ناشایست طبق کتاب گرانسنگ نهج البلاغه شرح داده شود.

واژگان کلیدی : مصادیق ، کارگزاران ، نهج البلاغه ، اقتصادی، سیاسی، امام علی علیه السلام

مقدمه

الف) بیان مسئله

در طول تاریخ بشر همواره حکومت هایی برای برقراری و اجرای قوانین و جلوگیری از هرج و مرج وجود داشته است و هر کدام از این حکومت ها نیازمند کارگزارانی برای اجرای این امر می باشند.

کارگزار به معنای انجام دهنده ی کار، مأموردولت یا حکومت و درجایی دیگر کسی که از طرف دیگری کاری را اداره می کند.

یکی از برجسته ترین حکومت ها در طول تاریخ، حکومت امام علی (علیه السلام) می باشد. از مهم ترین برنامه های اصلاحی حضرت علی (علیه السلام) در دوران زمامداری، استخدام نیروهای شایسته، کارآمد و صالح در مناصب مهم حکومتی بود.

ایشان پس از انتخاب کارگزاران خود به طور مستقیم و بدون واسطه بر آن ها حکومت می کردند و آنان را از هر گونه کوتاهی در انجام وظیفه ی خود بر حذر می داشتند. آن حضرت بر این عقیده بود که بی توجهی در امور باعث می شود که حکومت ها پس از مدتی دچار فسادهای مالی، اداری، اخلاقی و ... شوند و در سراشیبی انحطاط و سقوط بیفتند.

این نکته حائز اهمیت است که هر نظام حکومتی بدون توجه به نقش کارگزاران صالح و مدیر نمی تواند به اهداف خود برسد و کارآمدی خود را نشان دهد، بنابراین در این صورت تفاوتی میان حکومت دینی و غیردینی وجود ندارد.

در این مقاله، نهج البلاغه که برادر قرآن است، در مورد مصادیق کارگزاران حکومتی مطالب بسیاری دارد و سخنان نورانی آن حضرت می تواند پایه های تشکیل یک حکومت عادل الهی را ترسیم کند. با توجه به گوناگونی ویژگی های اخلاقی کارگزاران هر حکومت مسئله ی اصلی این مقاله در گام نخست شناخت کیستی کارگزاران و از سوی دیگر از آن جا که در هر حکومتی کارگزاران لایق و نالایق وجود دارد بنابراین چالش و مسئله ی بعدی مقاله تبیین و تحلیل هر یک از این ویژگی ها و بیان مصادیق کارگزاران شایسته و ناشایست می باشد.

روش تحقیق در این مقاله، نقلی — و حیانی و به وسیله ی بررسی و تحلیل روایات و خطبه های امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه به شیوه ی کتابخانه ای گردآوری شده است.

(ب) ضرورت تحقیق

با توجه به مدنی الطبع بودن انسان وجود یک حکومت از بایسته های جدایی ناپذیر یک زندگی اجتماعی است. بنابراین در رأس هر حکومتی کارگزاران آن حکومت وظیفه ی اجرای قوانین و پا بر جا ماندن حکومت را بر عهده دارد.

ضرورت شناخت مصادیق افراد نالایق برای جلوگیری از به فساد و اضمحلال کشانده شدن جامعه لازم است. در نتیجه نگارنده انگیزه یافت تا با توجه به سخنان حکیمانه ی نخستین حاکم عدالت گستر شیعه یعنی امام علی (علیه السلام) نگاهی دقیق به مقوله ی شناخت مصادیق کارگزاران نالایق داشته باشد.

(ج) پیشینه

هر چند در مورد ویژگی های کارگزاران شایسته و نالایق در جامعه ی اسلامی از منظر آموزه های اسلامی و آیات و روایات پژوهش هایی در قالب پایان نامه یا مقاله های علمی انجام شده است، اما در مورد مصادیق کارگزاران شایسته و نالایق آثار اندکی نگاشته شده است.

در این زمینه می توان تنها به یک مقاله ی پژوهشی اشاره کرد. این مقاله با عنوان □ **شایستگی و بایستگی**

کارگزاران قدرت سیاسی در نهج البلاغه « نوشته ی اسکندر جعفری نوروزانی، دومین همایش بین المللی مدیریت و فرهنگ توسعه ۱۳۹۴ است. وی در این مقاله به بررسی عوامل شایستگی و نالایق بودن کارگزاران قدرت سیاسی در نهج البلاغه پرداخته و عواملی همچون ظلم، خودکامگی، ظاهرگرایی، عدم شایستگی کارگزاران را به عنوان آفات حکومت و از هم پاشیدگی حکومت بیان کرده است. هر چند مباحث این مقاله ی پژوهشی، ارتباط تنگاتنگی با مقاله ی پیش رو دارد لیکن تمرکز آن صرفاً به بیان ویژگی های شایستگی و نالایق بودن کارگزاران حکومتی است و از بیان مصادیق این افراد از منظر نهج البلاغه تهی می باشد. بنابراین امتیاز مقاله ی پیش رو اهتمام به بیان مصادیق افراد شایسته و نالایق از منظر نهج البلاغه می باشد.

مفاهیم تحقیق

در این بخش به بررسی لغوی و اصطلاحی کلید واژه ها و متغیرهای تحقیق پرداخته می شود:

الف) کارگزار

«کارگزار» در لغت در معانی گوناگونی به کار رفته است. عامل، ج کارگزاران و کتبه .

برخی در معانی آن، به صفت هایی همچون: انجام دهنده ی کار، کسی که از طرف دیگری کاری را اداره می کند، واسطه داد و ستد یا انجام یافتن کاری، مأمور دولت یا نماینده ی یک شرکت یا مؤسسه در شهر دیگر، عامل اجرای اوامر یا سیاست کسی یا دستگاهی(انوری: ۱۳۸۱، ج ۶، ص ۵۶۷۶؛ فرهنگ فارسی عمید؛ جهانگشای جوینی).

به هر روی بر پایه ی گزارش در فرهنگ فارسی معین می توان گفت: کار گزار دو کاربرد دارد: الف: عامل؛ ب : مأمور

کارگزار، واژگان مترادف و متضاد نیز دارد که عبارتند از: پیشکار مباشر، متولی، ناظر و وکیل.

در عربی به کارگزار دولت « رَجُلُ دَوْلَه » گفته می شود.

در جست و جوی انجام شده معنای اصطلاحی خاصی برای کارگزار یافت نشد، با توجه به معنای لغوی آن می توان گفت به فردی که در هر حکومت مسئولیت اجرایی و حکومتی بر عهده دارد کارگزار گفته می شود.

ب. نالایق یا ناشایست

نالایق به معنای: بی لیاقت است یعنی کسی که قابلیت و لیاقت انجام کاری را ندارد (انوری : ۱۳۸۱، ج ۸، ص ۷۶۸۰).

و همچنین معنای دیگری نظیر بی عرضه، بی کفایت، ناقابل، بی ارزش، کم بها، کم لایق و ارجمند و ارزنده نیست در نظر گرفته شده است (لغت نامه دهخدا).

متضاد کلمه ی نالایق : شایسته ، لایق و مستعد می باشد. کلمه نالایق علاوه بر متضاد مترادف نیز دارد که عبارت است از بی صلاحیت، غیر مستعد، نا مستعد، غیر مستحق و نا مناسب.

افزون بر این ها نالایق در زبان عربی به معنای « غَيْرُ مُؤَهَّل » می باشد.

ناشایست یعنی چیزی که شایسته و لایق نباشد؛ همچنین معناهای دیگری مثل نادرده خور، ناشایست، ناسزاوار، نازیبنده، نابجا، ناروا، حرام، ممنوع، محظور، ناجایز، گناه و ... در نظر گرفته شده است.

(انوری : ۱۳۸۱، ج ۸، ص ۷۶۸۰؛ لغت نامه دهخدا؛ فرهنگ نفیس ناظم الأطباء)

متضاد کلمه ی ناشایست: شایسته است، اما مترادف های آن ها عبارتند از: غیر معقول، نامربوط، ناوجه، فجور، فساد و فسق.

ج. کارگزاران ناشایست یا نالایق

برپایه ی آن چه در معنای لغوی و اصطلاحی کارگزار نالایق (ناشایست) گذشت. کارگزاران ناشایست را این گونه می توان تعریف کرد: عامل یا مأمور دولت یا حکومت که قابلیت و لیاقت انجام کاری را نداشته باشد.

طبق آیه ی ۵۵ سوره ی مبارکه یوسف، کارگزاران شایسته دو ویژگی را باید داشته باشند:

را شکست دهد و گروهی را نیز به اسارت درآورد. زمانی که این اسرا را به سوی کوفه می بردند همین که به منطقه اردشیر خُره رسیدند که در آنجا "مصقله ابن هبیره" به عنوان فرماندار امام (علیه السلام) حکومت می کرد. "مصقله" آنها را که حدوداً پانصد نفر بودند در برابر پرداخت پانصد هزار درهم، از "معقل" گرفت و آزاد کرد و این دارایی را از بیت المال برداشته بود به این امید که بعدها آن را به بیت المال پس خواهد داد ولی در این کار اهمال و تعلل می کرد؛ او مدتی بعد به خدمت امام (علیه السلام) در کوفه رسید مبلغی را پرداخت کرده و انتظار داشت که مابقی آنها را به او ببخشد.

ولی حضرت با این امر موافقت نکردند چون ممکن بود بدعتی برای آیندگان شود و موجب تداعی بذل و بخششهای عثمان در اذهان عمومی گردد و سرانجام "مصقله" به خاطر بیم از عدالت امام، به معاویه پناه برد. به هر حال این نامه نشان دهنده ی علاقه و پیروی او از خط مشی عثمان است. در این نامه به سه نکته تأکید شده است:

الف: این که امام (علیه السلام) می فرماید: «بَلَّغْنِي عَنْكَ أَمْرٌ إِنْ كُنْتَ فَعَلْتَهُ فَقَدْ اسْخَطْتَ إِلَهَكَ، وَ عَصَيْتَ إِمَامَكَ.» (گزارشی از تو به من رسیده است که اگر چنان کرده کرده باشی خدای خود را به خشم آورده ای و امام خویش را نافرمانی کرده ای).

این تعبیر نشان می دهد خبری که به امام رسیده است مورد تأکید قطعی ایشان نبوده است و برای متهم نکردن یک بی گناه جانب احتیاط را رعایت کرده اند.

دربخش دوم نامه می فرماید: «فَوَ الَّذِي خَلَقَ حَبَهُ؛ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ ، لَئِنْ كَانَ ذَٰلِكَ حَقًّا لَتَجِدَنَّ لَكَ عَلَيَّ هَوَانًا وَ لَتَخَفَنَّ عِنْدِي مِيزَانًا.» (سوگند به کسی دانه را در زیر خاک شکافت و روح انسانی را آفرید؛ اگر گزارشی که به من رسیده درست باشد تو در نزد من منزلت سستی خواهی داشت و ارزش و مقدرات در پیشگاه من سبک خواهد شد).

در این مورد هم امام قضاوت محتاطانه می کنند تا مبدا به بی گناهی تهمت زده باشند، و می فرماید: اگر گزارش صحیح باشد؛ در نظر من بی ارزش خواهی بود.

در بخش پایانی نامه امام به نکته مهمی در دستورات اسلام اشاره می کنند و می فرماید: آگاه باش! حق مسلمانانی که در نزد تو هستند با آنهایی که نزد منند در تقسیم بیت المال یکسان است و ورود و خروج همگی بر آن، باید به نظر من باشد. "الا و إنّ..."

عبارت عندی؛ نزد من. به معنای اینست که این کار (تقسیم بیت المال) می بایست با نظر و تأیید من صورت پذیرد.

در برخی از منابع، "مصلحة" پاسخی برای امام، بعد از دریافت نامه، برای تبرئه ی خود نوشته است: «نامه ی امیر المؤمنین (علیه السلام) به من رسیده لازم است تحقیق فرمایند؛ اگر آنچه گزارش شده است حق است، مرا مجازات کنند و سپس معزول دارند و تمام بردگان من آزاد شوند و گناهان ربیعه و مضر بر من باشد اگر دینار و درهمی و یا کمتر از آن را از زمانی که فرمانداری این منطقه به من واگذار شد تا زمانی که نامه امیر المؤمنین (علیه السلام) به من رسید؛ خیانت کرده باشم و شما می دانید که اگر مرا از این سمت عزل فرمایید، برای من آسان تر از این است که متهم شوم.» زمانی که نامه ی "مصلحة" به دست امام (علیه السلام) رسید فرمود: گمان می کنم او راست می گوید (به نظر می رسد که گزارشگران خطا کرده اند).

(تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰۱)

اما در بعضی از منابع این گونه آمده است که بعد از شهادت امام علی (علیه السلام) "مصلحة" برای فرمانداری طبرستان از جانب معاویه انتخاب شده بود ولی قبل از به دست گرفتن این منصب کشته شد. (فتوح البلدان بلاذری، ج ۲، ص ۴۱۱).

۷. جمع بندی و نتیجه گیری

أ. جمع بندی

این مقاله با عنوان «مصادیق کارگزاران نالایق (ناشایست) در نهج البلاغه» در سه بخش مصادیق کارگزاران اخلاقی؛ مصادیق کارگزاران سیاسی؛ مصادیق کارگزاران اقتصادی نگارش شده است.

ب. نتیجه گیری

از مهمترین دستاوردها و نتایج این پژوهش می توان گفت:

۱. هر حکومت به منظور پابرجا ماندن نیازمند به کارگزاران و عوامل اجرایی برای به سامان رساندن خواسته های مردم آن جامعه می باشد.
۲. وجود کارگزار شایسته و لایق از جمله عوامل پیشرفت حکومت از منظر سیاسی؛ اقتصادی؛ اجتماعی و... می باشد.
۳. کارگزاران می بایست تحت نظارت یک مرجع و رهبری قرار گیرند تا از خطاهای احتمالی آنان در عرصه های مختلف اخلاقی؛ سیاسی؛ اقتصادی و... جلوگیری شود.
۴. حکومت امام علی (علیه السلام) به عنوان یک حکومت الگو و برتر؛ در زمینه ی نظارت بر کارگزاران در همه ی عرصه ها می باشد؛ به طوری که ایشان افرادی را نامحسوس به عنوان ناظر بر کارگزاران تعیین کرده بودند.

۵. در گزارشهای بدست آمده از تخلف کارگزاران؛ تصمیم نهایی در مورد آنها بعد از انجام تحقیقات لازم و به قطعیت رسیدن از تخلفشان باید گرفته شود؛ همان گونه که امام علی (علیه السلام) در این مواقع تا به قطعیت کامل نمی رسیدند تصمیمی در مورد کارگزار متخلف نمی گرفتند.

ج. نوآوری مقاله

با توجه به کمبود آثار پژوهشی درباره کارگزاران نالایق از منظر نهج البلاغه، این مقاله با نگرشی جامع به همه ی سخنان امام علی (علیه السلام) و نامه های ایشان و شرح این نامه ها، در پژوهشی نو مصادیق کارگزاران نالایق را در عرصه های مختلف حکومتی تبیین و تحلیل کرده است.

د. پیشنهادهای علمی

با توجه به اهمیت وجود کارگزاران شایسته در برقراری و پیشرفت هر حکومت در عصر حاضر و نیز تاکید اسلام به برقراری حکومت های اسلامی مردم سالار و خدا محور و نیز سخنان و نامه های امام علی (علیه السلام) در این زمینه

، پیشنهاد می شود تا پژوهشهایی درباره مصادیق کارگزاران نا شایست حکومتی در عرصه های اجتماعی، فرهنگی، نظامی، و نیز ارتباط با سایر دولتها و ملتها از منظر امام علی (علیه السلام) تدوین گردد.

«فهرست منابع»

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ۱- آیتی، محمد ابراهیم، تاریخ یعقوبی؛ ج ۲، بی جا: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ یازدهم، ۱۳۹۸ ه.ش.
- ۲- ابن ابی الحدید، عبدالحمید ابن هبه الله، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید؛ مترجم: محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ه.ش.
- ۳- ابن ابی الحدید، معتزلی، شرح نهج البلاغه؛ ج ۱۶، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ه.ق.
- ۴- ابن عبدالبر، یوسف ابن عبدالله، کتاب استیعاب؛ محقق: علی محمد بجاوی، بیروت: دارالجلیل، چاپ اول، ۱۴۱۲ ه.ق.
- ۵- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن؛ تهران: نشر سخن، ۱۳۸۱ ه.ش.
- ۶- بلاذری، احمد ابن یحیی، انساب الأشراف؛ بیروت: مؤسسه ی الأعلمی المطبوعات، ۱۳۹۷ ه.ش.
- ۷- -----، فتوح البلدان بلاذری؛ ج ۲، بیروت: دارالمکتبه الهلال، بی تا.
- ۸- جعفری نوروبزانی، اسکندر، مقاله شایستگی و بایستگی کارگزاران قدرت سیاسی در نهج البلاغه؛ دومین همایش بین المللی مدیریت فرهنگ توسعه، ۱۳۹۴ ه.ش.
- ۹- جوینی، عطا ملک ابن محمد، تاریخ جهانگشای جوینی؛ بی جا: دستان، چاپ چهارم، ۱۳۹۳ ه.ش.
- ۱۰- حسینی خطیب، سیدعبدالزهراء، مصادر نهج البلاغه؛ ج ۳، بیروت: انتشارات دارالاضواء، ۱۳۶۴ ه.ش.
- ۱۱- خوئی، میرزا حبیب الله، منهاج البراعه (خوئی)؛ تهران: مکتبه الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۰ ه.ق.

- ۱۲- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا؛ تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ه. ش.
- ۱۳- شریف الرضی، محمد ابن حسین، شرح ابن میثم بحرانی؛ مترجم: محمدرضا عطایی، مشهد مقدس: آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش های اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۷ ه. ق.
- ۱۴- شوشتري، محمدتقی، شرح نهج البلاغه؛ ج ۸، تهران: امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۷۶ ه. ش.
- ۱۵- -----، شرح نهج البلاغه؛ ج ۱۸، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ه. ق.
- ۱۶- عمید، حسن، فرهنگ عمید؛ بی جا: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵ ه. ش.
- ۱۷- مامقانی، عبد الله، تنقیح المقال علّامه مامقانی؛ محقق: محمدرضا مامقانی و محیّ الدین مامقانی، قم: مؤسسه آل البيت (علیه السلام) الإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۳۱ ه. ق.
- ۱۸- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار؛ ج ۳۴، بیروت: دار الإحياء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۳۶۱ ه. ش.
- ۱۹- -----، بحار الأنوار؛ ج ۴۵، بی جا: اسلامیّه، چاپ چهارم، ۱۳۹۳ ه. ش.
- ۲۰- موسوی، صادق، تمام نهج البلاغه؛ مشهد مقدس: مؤسسه الامام صاحب الزمان (عج)، چاپ اول، ۱۳۷۶ ه. ش.
- ۲۱- نفیسی، ناظم الأطباء، فرهنگ نفیسی؛ بی جا: خیام، ۱۳۷۰ ه. ش.